

راز شیعه بودن ایرانیان

داود بهائی

حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدن آنان یک چیز است ایرانیان بدو علت و بغاظر دو چیز سوی اسلام آمدند ، یکی حکومت حق و دیگری عدالت اجتماعی و بهمین دلیل هم توجه به خاندان رسالت پیدا کردند .

● حساسترین مسئله در ایران ساسانی:

آنچیزی که بیش از هر عامل دیگر روح تشنه ایرانی را سوی اسلام کشید عدل و مساوات اسلامی بود . توده مردم ایران که از ظلم و ستم و اجحاف و حق‌کشی ساسانیان بستوه آمده بودند و از جهنم طبقاتی شدت رنج می بردند ، کم شده خود را در اسلام یافتند .

ایرانی قبل از اسلام ، بخاطر این دو موضوع ، قربانی ها داده و رنجها و شکنجه‌ها کشیده بود و لذا هر نهضت و قیامی که برای استمیدگان ایرانی ، پیدایش راه و چاره‌ای را بشارت می داد بیدرنگ لبیک می گفتند .

ایرانی درست در همان موقعی که داشت از تمام تلاشها و کوشش های خود مایوس می شد ، ناگهان ندای آزاد مردی را از بهابان سوزان حجاز شنید که همه جهانیان را به برابری و نیکی و برادری می خواند و از ظلم و بهداد و شرک و فساق مردم را نهی می کرد .

ایرانی در این دعوت همان چیزی را یافت که قرن‌ها به بهای آه و اشک و خون خریدار و مشتاق آن بود . این است که ایرانی بیدرنگ به دامن اسلام پناه می برد ، خوشبختانه توده مردم ایران در برابر آرمان رهائی بخش اسلام ، نه تنها باشاعرهای فریبنده تبلیغاتی مواجه نشدند ، بلکه عملاً روش حکومت اسلامی را از نظر و قسوم سیاسی در نیمه قرن اول اسلامی چنان شورانگیز یافتند که برای مردم ایران قابل تصور نبود .

ایرانیان خلافت اسلامی را در دوران زمامداری علی (ع) که مهدی جرجسترش عدالت و محو تبعیضات نداشت ، در حد خواب و خیال افسانه آمیزی ، بی پیرایه تر از آنچه خود می خواستند و آرزویش را ، در دل داشتند ، ساده یافتند ، عدالت بی نظیر و سادگی بی آرایش علی (ع) بیش از هر ملت دیگر ، خوشایند ایرانی بود ، لذا گرایش بیشتر و همبستر به اسلام نشان می دادند و گو اینکه آرمان نهایی خود را بعد از شکنجه و عذاب در آن می یافتند .

ایرانی که چند صباحی زیر لوای اسلام و سایه فرخنده حکومت اسلامی آرمیده بود و کم کم داشت رنجها و شکنجه‌های خود را فراموش می کرد ، ناگهان ورق برگشت و چهره حکومت اسلامی بکلی عوض شد .

● اسلام با دوچهره متفاوت:

اینجاست که اسلام دوچهره می باید یکی اسلامی که دارالخلافه " دمشق "

" بغداد " را می سازد و یکی اسلامی که بارگاه ساده و بی پیرایه " مدینه " و " کوفه " را یکی اسلامی می شود که خلیفه اش همان قیصر رومی و خسرو ساسانی است و حکومتش عبارتست از یک سلسله قبیدها و نظم های ضد مردم و مخالف حرکت و حیات آزادی بیان و برخورداری توده از حقوق طبیعی انسانی . وظیفه همه کار و رنج و کوشش می شود . تا خسروان و قیصران خلیفه نما ، دسترنجشان را در خزانه گنج بگذارد و به قیمت رنج و کوشش و مرگ توده مردم ، در کاخ های سر فلک کشیده ، شبهای خیال انگیز و افسانه ای تشکیل می دهند و برای خوشگذرانی یک شب عوائد سالانه کشوری را بیکدیگر ببخشند و برای راضی نگه داشتن اطرافیان کشور پهنساور اسلامی را مانند ارت پدر ، میان آنها تقسیم کند .

یکی اسلامی که خلیفه اش نمی تواند کوچکترین سهمی بیش از دیگران ببیند و نه مردم نگران اینکه حاکم بیت المال و جان مردم ، حقی اضافه بردیگران برای خود و خانواده اش قائل شود ، اسلامی می شود که حاکمش در پاسخ تقاضای استفاده ی درهمی چند بیشتر از حقوق بیت المال مسلمین ، در دست برداش آهین نغمه می نهد ، و می خواهد دست دختر خود را به جرم غاریه یکشبهی گلوبند از بیت المال ، قطع کند . و فرماندارش را بخاطر شرکت در یک میهمانی اشرافی که گروهی گرسنه و تهی دست برآستان با شکوه آن در ایستاده بود ، پشت توبیخ می کند .

آری یکی اسلامی که حاکمش لحظه ای از همدردی با گرسنگان غافل نمی ماند ، هیچگاه سر بر بالش نمی نهد و از لذات دنیا ، روزانه بدونان جو و درمال بدو جامه پشمین و فرسوده قناعت می کند .

این دو اسلام ، اسلام " مدینه " و " کوفه " با اسلام " دمشق " و " بغداد " به یکبار بر می خیزند و سرانجام اسلام کوفه در محراب کوفه بخون می غلطد و در کرانه فرات سیاه خاموش می شود و اسلام اشرافی سرتوشت اسلام را خود بدست می گیرد و خلیفه ، جانشین پیغمبر و مروج رسمی اسلام در جهان می گردد در نتیجه توده های محروم و بردگان عرب و مردم ایران و روم که در فرار از فریب موبدان و ششلاق خسروان و قیصران ، به عدل اسلام و به رهبر آزادی و مساوات و برابری اسلام ، به اسلام رو آورده بودند گرفتار سلطنت موروثی استبدادی و خلافت عربی شدند باین

تاریخ
کتاب
اسلام



راه اصلی مبارزه

- ★ یکی از کارشناسان: شرایط اقتصادی کشور ما طوری است که می تواند تا ۱۰۰ میلیون جمعیت را براحتی تحمل کند
- ★ به دلیل نیاز روزافزون به نیروی انسانی کنترل جمعیت بی فایده است .
- ★ استفاده از قرصهای ضد بارداری ، عوارضی چون واریس ، سکنه قلبی و چاقی در پی دارد .
- ★ برنامه های تنظیم خانواده در بیشتر کشورها شکست خورده و در هند اعلام شده که نبرد واقعی باید با فقر آغاز شود نه با مردم

بیمه ، تمامی مخارج عقیم سازی زنان و مردان را می پردازد در ضمن " سقط جنین " که تاکنون در ایران غیر قانونی بود آزاد شد "

این هر دو خیر در آستانه آغاز هفته بهداشت و تنظیم خانواده منتشر شد . همه این تدابیر ظاهرا برای کنترل و جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت صورت گرفته است ، آهنگ رشد جمعیت ایران در حال حاضر ۲/۲ درصد در سال است یعنی که هر سال حدود ۸۰۰ هزار کودک جدید به دنیا می آید هدف رساندن این رقم به ۱/۵ درصد ، یعنی محدود کردن زاد و ولد به حدود ۴۵۰ هزار کودک در سال است که گفته می شود تا ۲۰ سال آینده باید به این رکود برسیم .

۱۰ سال پس از آغاز مبارزه بی گیر با ازدیاد جمعیت در ایران ، یکبار دیگر ، شاهد اقداماتی هستیم که هدفش کاهش رشد نفوس است ظاهرا بالاترقت شمار کسانی

"هگل" در کتاب دیگری از "چه کوارا" مطالبی نقل می کند که ما چند سطر بنویسید تا بتوان شاهد مثال در مورد شوروی برای شما ترجمه و نقل می کنیم ... من تناقضات موجود در کمونیسم را نتوانستم حل کنم ، من وقتی که بعنوان نماینده کوبا با هیرمان شوروی مذاکره می کردم ، دیدم ، که آنها خواهان براد حام مارا بهمان قیمت خریداری کنند که دنیای سرمایه داری و استعماری می خرید ... من هرگز نمی توانستم این را از یک دولت سوسیالیست بپذیرم ... با آنها مذاکره نشستم و پرسیدم سرفوق تسلیم با امیرالیم چیست ؟ آنها هم که همین قیمتها را بیا دیکته می کردند ؟ گفتند " ما نظریه شما را می فهمیم و میدانیم که سواست خاتم محصول رنج و عرق ملت های عقب افتاده است ، ولی ما مجبوریم که در بازار بیرونی بمانیم ، آنها را عرضه کنیم ، می گفتم شما این سواست خاتم را به ملت های عقب افتاده می دارید ، مردم زیادی بابت محصولات خود نمی پردازند و این محصولات برای شما به معنای کف تمام شده است پس چرا آنها را به همان قیمت باسلاح جهانی بخریم ؟ آیا معنی این امر آن نیست که ما در هر حال باید سرکوب شویم ؟ ... " (از کتاب "عبدالقادر والفقالم" تألیف هگل ، چاپ بیروت ، صفحه ۴۶۷-۴۶۸ فصل عبدالقادر و جبارا)

ملاحظه می فرمایید که قصبه از چه قرار است ؟ تشکر کوبارا بهمان قیمت می خرید که قبلا امیرالیم غرب می خرید و در عوض محصولات خود را هم بهمان قیمت می صادر می کنند و می فروشند که از نگاه سرمایه داری صادر می کرد و می فروخت ... پس در ماهیت امر فرقی نیست ، بلکه امیرالیم غرب ، جای خود را به سوسیال امیرالیم شرق داده است و این ملتها هستند که در این میان باید " ندا " بشوند ...
راستی این دو واقعه نمی تواند روشنگر ماهیت واقعی این هژداران سوسیالیسم و مؤسسان مکتب ماتریالیسم و مدعیان تعهد و رسالت و جهانی بودن باشد ؟ ... پاسخ ما که مثبت است ... و صد البته ، هزاران شاهد و مثال دیگر داریم که در یک کتاب هم نمی توان به آنها اشاره کرد ...
خسروناهی

بیخه از شیعه بودن ام شیخ ...

غارت آنجا حاکم و زندانبانش خود و اینجا بیگانه .
ایرانیان که درجهنم طبقاتی ساسانی سوخته بودند ، بار دیگر خود را درجهنم طبقاتی اموی مشاهده کردند ، از همان شکاف عمیق طبقاتی و مرجح اجتماعی که فرار می کردند ، دوباره خود را در همان شکاف طبقاتی باز یافتند ، باین معنی مشی رهبری و حکومت اسلامی در دوران بنی امیه و بنی عباس بهمان راه افتاد که ساسانیان از پیش پیچیده بودند . خوشبختانه ایرانی تا آن موقع اسلام را نشناخته بود و لذا مطالب و تمهیدات نژادی خلفای اموی نتوانست مسلمانان ایرانی را به اسلام بپذیرد کند و همه می دانستند که حساب اسلام از حساب خلفای حور جد است و اعتراض آنها همیشه بر دستگاه خلافت بود که به قوانین اسلام عمل نمی نمود .
البته سرخوردگی ایرانیان و سخت گیری امویان هرگز نمی توانست اراده و روحیه ایرانیان را خفه و تپاه سازد ، از این رو مبارزه آنان با دستگاه امپریالیستی اموی شروع شد و هرکجا که ممکن بود در برابر سیاست غش و غیر اسلامی امویان ایستادگی کردند .

دکتر محمد اسلامی ندوشن

● مقاله زیر که بقلم دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مجله "نگین" شماره ۱۵۱ چاپ تهران درج شده ، با اندکی تلخیص ، در سه قسمت از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد .

حقوق بشر در جهان سوم

● نگاهی به تحولات کشورهای جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم و مسائل مشترک این کشورها

مردم جهان سوم خواستار آنند که حساب و کتابی در کارها گذاشته شود . هنوز رسم سر بریدن پاینده ارجمان برنیفتاده است . بزرگترین اختراع در مورد روان و جامعه فیزیکی این است که در هر کار و هر چیز "قلب" بجای "اصل" گذاشته شود .

میتوان پنداشت که یکی از علت هایی که موجب شده است تا حرف " حقوق بشر " از نو بر سر زبان ها بیفتد ، آن است که این حقوق در معرض پایمال شدن جدی قرار گرفته است هر وقت ملت های اجتماعی عارض می گردد ، بدانگونه که می رود تا کاسه شماره ۲ سال ۱۸